



چند روز پیش بود که اخبار و اطلاعات جدیدی درباره مزدوری برخی اهالی رسانه در ایران منتشر شد. این اطلاعات البته به همراه سندی بود که در آن میزان پرداخت مبالغی از انگلستان به ۱۹ فرد در داخل ایران درج شده بود. خبر گزاره‌ای که این سند را منتشر کرده بود، در توضیح این فاکتور نوشته است: این مبالغ به یورو و از سوی حسین باستانی پرداخت شده است؛ چهره شناخته‌شده‌ای که حالا در قامت یک اپوزیسیون رسانه‌ای در خدمت ضدانقلاب قلم می‌زند. چند روز پیش بود که «وطن امروز» در قالب گزارشی با عنوان «یوروپین» به این موضوع پرداخت. «یوروپین» اشاره به قلم‌های مزدوری دارد

که حضرت امام خمینی (ره) همواره به خیانت‌های این قلم‌های مواج‌بگیر ضدانقلاب اشاره کرده‌اند و به مردم درباره خسارت‌های آنان هشدار داده‌اند. در زیر بخشی از بیانات امام خمینی (ره) پیرامون رسالت اصحاب قلم و نقش مطبوعات، آزادی مطبوعات و خدمت و خیانت مطبوعات را آورده‌ایم.

نقش مهم مطبوعات در رشد و صلاح کشور

«در باب نشریات، خودتان می‌دانید که نقش نشریات در هر کشوری از همه چیزها بالاتر است. روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند که یک کشوری را رشد بدهند به راهی که صلاح کشور است و می‌توانند که به عکس عمل بکنند.»

«شهر به بسیار خوب است و در صورتی که محتوای آن محتوای آموزنده باشد و دست‌اندرکاران آن متعهد باشند، این نشریه راه همه امور می‌شود. انسان اگر انصاف داشته باشد، باید به خاطر مردمی که قلم‌ها را برای اینها آزاد گذاشته‌اند، از قلم و قدمش استفاده کند و دیانت به اقتضای همین رامی‌کند. ما باید نشریاتمان مفید باشد و اخلاق جامعه را اصلاح کنیم.»^(۱)

جایگاه خطیر مطبوعات در هدایت و ضلالت جملعه

«اگر خدای نخواست قلم‌های شما بلغزد و از تعهدی که برای خدای تبارک و تعالی باید داشته باشید غفلت بکنید، اینچور نیست که تنها به شما و دوستان و هم مذهب و هم دین شما ضرر بزند، به همه ضرر می‌زند، پس یک ضرر کوچک نیست. شما که روزنامه کثیرالانتشاری در دستتان است، باید توجه کنید که مسؤلیت بسیار خطیری پیش مردم و ملت‌های جهان دارید که اگر ارشاد کنید مردم را بالاتر از طاعت‌هایی است که در گوشه خانه یا یک مجلس که چند هزار نفر هستند، می‌باشد. قلم شما اگر ارشادی باشد، ملت را به راه راست هدایت می‌کند و می‌تواند مردم را از انحراف نجات دهد.»^(۲)

«باید بدانید که اگر دو هزار مجله چاپ کنید، لاف‌

پنج هزار نفر این مجله را می‌خوانند، و یک عده کثیری هم آن را مطالعه می‌کنند. اگر تیراژ روزنامه‌های دویست هزار باشد، پانصد هزار نفر آن را مطالعه می‌کنند و اگر اعتراف باشد، پانصد هزار نفر را منحرف می‌کند و این مسؤلیت کوچکی نیست. این غیر از معصیتی است که در خانه است. آن هم معصیت است اما نه به بزرگی این. هر چه تیراژ شما بیشتر باشد، باید بیشتر توجه به اصلاح آن بکنید. آنها که می‌گویند تیراژ بیشتر، توجه مردم بیشتر است، پس هر چه می‌خواهیم می‌نویسیم؟ اشتباه می‌کنند. آنها مسؤلیت بیشتر دارند.»^(۳)

«مجله نوشتن مسؤلیتی بزرگ دارد، هم پیش خدای تبارک و تعالی، هم پیش مردم. ممکن است اینها مملکتی را به فساد بکشانند. اگر کوشش نکنند در اینکه اصلاح کنند، و اگر آن که می‌نویسد از روی صلاح‌دید و مبانی غیرنفسانی و رسوا نکردن مسلمانان و اینطور مسائل باشد، مجله‌ها مفید خواهند بود و مردم رو به تباهی نمی‌روند.»^(۴)

ضرر رسانه‌های گروهی مغرب بیشتر از سلاح‌های نظلی

«ملت عزیز در طول ۵۰ سال سیاه اخیر گرفتار مجلات و روزنامه‌های تخریب‌کننده و فاسدکننده نسل جوان او، از آنها بدتر سینماها و رادیو تلویزیون بود که با برنامه‌های خود، ملت را به حد وافر در اغوش غرب و غربزددها غلتانید و ضررهای رسانه‌های گروهی از خرابی‌های توب و تانکها و سلاح‌های مغرب بالاتر و بدتر است، چه که ضررهای سلاح‌ها گذراست و ضررهای فرهنگی باقی و به نسل‌های بعد انتقال پیدا می‌کند. چنانکه دیدید و می‌بینید.»^(۵)

مطبوعات منحرف دوران ستمشاهی و سوق دادن جوانان به سوی شرق و غرب

«مجله‌ها با مقاله‌ها و عکس‌های افشاح‌چار، و اسفناگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی، با افتخار، مردم بویژه طبقه جوان موثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند.»^(۶)

صدمات فراوان مطبوعات دوران ستمشاهی به اسلام و کشور

«ما یکی از گرفتاری‌های بزرگمان در زمان طاغوت گرفتاری به دست مطبوعات بود. طاغوت مهره‌هایی که در خدمت او بودند و در خدمت اجانب، انتخاب می‌کرد و زنده‌های آنها را انتخاب می‌کرد برای اداره مطبوعات و برای تبلیغات به ضداسلام و به ضدکشور، لکن با آب و رنگ اسلامی و ملی، من نمی‌دانم که صدمه‌ای که کشور ما و اسلام از مطبوعات در زمان طاغوت دید بیشتر بود یا صدماتی که از سایر ارگان‌های طاغوتی مطبوعاتی که حامل پیام ملت و حامل پیام اسلام

گزیده بیانات امام خمینی (ره) پیرامون مطبوعات

در خدمت و خیانت «قلم»

■ هادی قائم‌مقامی

مورد قبول ملت نیست و مردم نمی‌خرند یک همچو روزنامه‌ای را و اگر گفته بشود پنهان که این روزنامه‌ها اینطور است، مردم خودشان نمی‌خرند.»^(۷)

حرکت در مسیر انقلاب

«ملت روزنامه‌های را می‌خواهد که مطابق آرای خودش، مطابق آرای ملت، مطابق خواسته‌های ملت رفتار کند، مقاله‌نویسی نمی‌خواهد، قصه‌نویسی نمی‌خواهد، چیزهایی را می‌خواهد که مطابق مسیر ملت باشد.»^(۸)

«به طور کلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیوی آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشند. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می‌خواهد، مسیر ملت چیست، روشنگری از این طریق داشته باشد و مردم را هدایت کند. اگر مطبوعاتی پیدا نشود، مسیر آنها بر خلاف مسیر ملت است، راهی که آنها می‌روند غیر از راهی است که ملت می‌روند و این بر فرض اینکه ملت هم و دولت هم اجازه بدهند که بنویسند و بگویند، لکن مورد تأیید این ملت نمی‌تواند باشد و نباید آن را حساب کرد که یک رسانه ملی است.»^(۹)

«روزنامه از ملت است و برای ملت است و چنانچه برخلاف مسیر ملت بخواهد یک روزنامه‌ای یا چیز دیگری رفتار بکند، خود ملت با او مخالفت می‌کنند. لازم هم نیست که مخالفتش این باشد که بیزد و بزند و بشکند، نه! اینها این کار را نمی‌کنند، لکن روزنامه برای خواننده است، وقتی خواننده نباشد روزنامه نیست.»^(۱۰)

«رادیو تلویزیون و مطبوعات مال عموم است- چنانکه شما هم همین اعتقاد اراا دارید که عموم بر آنها حق دارند- از این جهت من به سهم خود خیال دارم که راجع به من کم باشد، مگر در مواقع حساسی که لازم است که آن هم باید از ما سوال شود که آیا منطقی را کار را نمی‌کنند، لکن باید نقل بکنند یا خیر و الا آنچه خوب است در رادیو تلویزیون و مطبوعات باشد، آن است که برای کشور اثری داشته باشد. مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود، شما این شخص را به جای مقامات کشور در صفحه اول روزنامه بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است، این منتشر شود یا کارمندی خوب کار کرد یا اگر طبیعی عمل خوبی انجام داد، عکس او را در صفحه اول چاپ کنید و بنویسید که این عملش چطور بوده است. این باعث تشویق اطبا می‌شود و بیشتر دنبال کار می‌روند. یا مثل اگر کسی کشفی کرد، باید معضل با عکس و مطلب باشد یا اگر کسی سارق را دستگیر نمود، یا یک کشاورز یا هنرمند یا جراح- که مناسفانه نه اسمشان است و نه عکسشان- ادر حالی که اینها لایقند در روزنامه‌ها مطرح شوند.

خلاصه! باید اساس تشویق اشخاص باشد که در این کشور فعالیت می‌کنند، اینها به این کشور حق دارند، به این روزنامه‌ها حق دارند.»^(۱۱)

تعیین حدود آزادی در اسلام

«مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند. هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزادند و اسلام در تمامی این شؤون حد و مرز آن را تعیین کرده است.»^(۱۲)

مصلحت کشور و انقلاب

«مطبوعات در عین حال که یک موسسه محترم و بسیار مؤثرند لکن باید روی موازین مطبوعاتی و خدمت به ملت رفتار کنند، آزادی قلم و آزادی بیان معنیاش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور قلمش آزاد است که بنویسد، برخلاف انقلابی که مردم خون پایش داده‌اند بنویسند، همچو آزادی صحیح نیست. قلم آزاد است که مسائل را بنویسد لکن نه اینکه توطئه بر ضد انقلاب بکند. بیان آزاد است که مطالبی اگر دارد بنویسد آن هم مطالبی که به او داده می‌شود، از همه اشخاص بنویسد بدون توطئه.»^(۱۳)

مصالح علیه اسلام و کشور

«و نیز به مطبوعات و رسانه‌های جمعی همین اخطار را اکیدا می‌کنم، آزادی غیر از توطئه است و از توطئه‌های خلاف مصالح علیه اسلام و کشور و ملت جدا جلوگیری می‌شود و من در صورت احساس خطر جدی، مسائل را با ملت عزیزم در میان می‌گذارم تا ملت دلیر خود تصمیم لازم را بگیرد، که تا به حال در مسائل مختلف، تصمیم قاطعانه گرفته است.»^(۱۴)

سلب آزادی تحت لوای آزادی

«ما در بعضی مطبوعات، حالا من اسم مطبوعات را نمی‌برم لکن در بعضی مطبوعات می‌بینیم که اینها از آزادی سوءاستفاده می‌کنند، به گمان اینکه یا به خیال اینکه آزادی است می‌خواهند از مردم آزادی را سلب کنند. این مردم با این زحمتی که در این سال‌های طولانی کشیده‌اند و با این خون‌هایی که در این دو سال اخیر داده‌اند می‌خواهند آزاد باشند، بعضی مطبوعات می‌خواهند اینها را از نشان سلب آزادی بکنند یا اسم آزادی قلم بر خلاف سیر علت عمل بکنند. دست‌اشخاصی که می‌خواهند چپاولگری کنند، بعضی مطبوعات دست آنها را دارند باز می‌کنند این معنی آزادی نیست، این معنی خیانت است. اینکه داده می‌شود به ملت آزادی است، نه خیانت، آزادی قلم است، نه خیانت قلم، آزادی بیان است، نه بیان خائنه.»^(۱۵)

وابستگی به بیگانگان

«۵۰ ماه همه چیز آزاد بود، هم روزنامه‌ها و هم مقالات و هم گویندگان و همه چیزها و همه راه‌ها باز بود، حالا هم که باز است. بعد از چند ماه معلوم شد که خب! این مطبوعات همچو نیست، یک مطبوعاتی باشد که مثلاً یک دسته‌ای یک عقایدی دارند می‌خواهند آن عقاید را ذکر بکنند معلوم شد که یک توطئه‌هایی دارند اینها و از اسرائیل که دشمن بشریت است اینها دارند ارتزاقی می‌کنند و توطئه دارند.»^(۱۶)

«یک قلمی است که با صهیونیسم و امثال اینها روابط دارند، یک روزنامه‌ای که با بودجه آنها اداره می‌شود و خودش تیراژی ندارند تا خود را اداره کنند، ما باید به اینها بگوییم آزاد هستید!»

کجای دنیا وجود داشته که یک انقلابی بشود و این همه روزنامه داشته باشد، همه روزنامه‌ها را می‌بستند و، تنها یک روزنامه از گان خود حزب مثلاً یا خود دولت را می‌گذاشتند.»^(۱۷)

تأسی ماه همه چیز آزاد بود، هم روزنامه‌ها و هم مقالات و هم گویندگان و همه چیزها و همه راه‌ها باز بود، حالا هم که باز است.

بعد از چند ماه معلوم شد که خب! یک مطبوعاتی همچو نیست، این مطبوعاتی باشد که مثلاً یک دسته‌ای یک عقایدی دارند می‌خواهند آن عقاید را ذکر بکنند. معلوم شد یک توطئه‌هایی دارند اینها و از اسرائیل که دشمن بشریت است اینها دارند ارتزاقی می‌کنند و توطئه دارند.»^(۱۸)

«یک قلمی است که با صهیونیسم و امثال اینها روابط دارند، یک روزنامه‌ای که با بودجه آنها اداره می‌شود و خودش تیراژی ندارند تا خود را اداره کنند، ما باید به اینها بگوییم آزاد هستید!»

کجای دنیا وجود داشته که یک انقلابی بشود و این همه روزنامه داشته باشد، همه روزنامه‌ها را می‌بستند و، تنها یک روزنامه از گان خود حزب مثلاً یا خود دولت را می‌گذاشتند.»^(۱۹)

پی‌نوشت

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۴۸/۱۱/۳/۲۰۱

۲- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۹/۱۱/۳/۲۰۱

۳- همان، ج ۱۴، ص ۲۵۷ و ۲۵۸/۱۲/۳/۲۰۱

۴- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۹/۱۱/۳/۲۰۱

۵- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۹/۱۱/۳/۲۰۱

۶- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۹/۱۱/۲۲/۶۳

۷- همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵- وصیتنامه سیاسی- الهی

۸- همان، ج ۱۸، ص ۶۵/۵/۲۶/۶۲

۹- همان، ج ۱۳، ص ۴۱/۶/۵۹

۱۰- همان، ج ۸، ص ۲۳/۴/۱۴/۵۸

۱۱- همان، ج ۶، ص ۱۹۱/۲/۲۶/۵۸

۱۲- همان، ج ۶، ص ۱۹۳/۲/۲۶/۵۸

۱۳- همان، ج ۶، ص ۱۹۱/۲/۲۶/۵۸

۱۴- همان، ج ۷، ص ۱۸/۳/۸/۵۸

۱۵- همان، ج ۶، ص ۱۹۳/۲/۲۶/۵۸

۱۶- همان، ج ۱۹، ص ۲۱۹/۶/۱۰/۶۴

۱۷- همان، ج ۲، ص ۲۸۰/۱۱/۵۷

۱۸- همان، ج ۶، ص ۱۹۲/۲/۵۸

۱۹- همان، ج ۸، ص ۲۱۹/۵/۵۸

۲۰- همان، ج ۶، ص ۱۹۲/۲/۲۶/۵۸

۲۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۹۱/۱۴/۵۸

۲۲- همان، ج ۱۲، ص ۹۱/۲/۲۶/۵۹

پروپاگانداي اخلاق‌مداری

محسن تاجیک: مساله اخلاق ۲ بعد دارد؛ اول فردی و دوم اجتماعی. منظور از اخلاق اجتماعی همان مناسبات انسان‌ها با یکدیگر است. مثل غبطه خوردن و حسد ورزیدن، تواضع و تکبر... به‌عنوان مثال فردی که به همکلاسی خود که دست بر قضا شاگرد اول کلاس است حسودی می‌کند، این حسادت، یک ردیله اخلاقی است. این یک مثال کوچک در جامعه کوچکی چون کلاس درس است. وقتی فلان کارگردان مشهور کشور در قبال انتقاداتی که به آثارش وارد می‌شود، می‌گوید: «منتقدان من خر هستند» یعنی این فرد اگر در بالاترین سطح محبوبیت هم قرار داشته باشد؛ دچار ردیله‌های اخلاقی است یعنی اینکه اخلاق اجتماعی ندارد که چگونه به منتقدان خود رفتار کند. این سنسخت از رفتارهای زنده همه ناشی از نبود اخلاق اجتماعی در این افراد است. مع‌الاسف روزگاری است که انتقاد از مردمان اعتدال به شیوه اعتدال پاسخ داده می‌شود. کافی است فلان بازیگر بگوید: «ای کاش من جامعه‌شناسی می‌خواندم تا وقتی توافق هسته‌ای شد، اینقدر ذوق‌زده نشوم» که خطاب می‌آید دلک‌ها، شومن‌ها، سلمانی‌ها و بقال‌ها حق اظهارنظر ندارند. از آنجا که قرار است به هر قیمتی که شده توافقی کنند، تاریخ را زیر و رو می‌کنند و صلح حدیبیه و صلح امام حسن(ع) را با امروز تطبیق می‌دهند و از کربلا درس مذاکره می‌گیرند و وقتی کسی در جوباشان می‌گوید این تحلیل‌های تاریخی را از کجا آوردید؟ تاریخ اینگونه که شما تفسیر می‌کنید نیست، بلافاصله گارد می‌گیرند که شما پیام انتخابات ۲۴ خرداد را نفهمیده‌اید! وقتی چند دلسوز کشور در گوشه‌ای از مملکت از عملکردشان اظهار نگرانی می‌کنند در جواب می‌گویند به جهنم که نگرانی‌ها حتی کار به جایی رسید که رئیس مجموعه گفت: «ما از رکود عبور کردیم» و چند وقت بعد که ۴ عضو مجموعه نامه زدند که «نه آقا نه تنها از رکود عبور نکردیم که اگر فکری به حال آن نکنیم به بحران تبدیل می‌شود». دست به کار شدند و اعضای مجموعه را توبیخ و تنبیه کردند و مسائل را محرمانه می‌گفتند و مردم را در جریان نمی‌گذاشتند» شعارهای داغ انتخابی را که یادتان هست: «خداوندا! با تو پناه می‌برم از استبداد رای، عجله در تصمیم، تقدم نفع شخصی و گروهی به مصالح عمومی و بستن دهان رقیبان و منتقدان». این شعارها امروز آنقدر خنده‌دار شده که سازنده فیلم تبلیغاتی روحانی در انتخابات هم خطاب به منتقدان دولت می‌گوید: «با اینکه در مسائل مختلف اختلاف‌های زیادی با شما دارم ولی دست مریزاد که این همه توهین و افترا را تحمل کردید و بر سر حرف خود ایستادید.» این شعارها آنقدر نخنما شده که وقتی به زمان برگزاری نمایشگاه مطبوعات که شعار آن «قد متصفان، پاسخ‌های مسؤولانه» است، رسیدیم، رسانه‌های منتقد، عطای نمایشگاه را به لقایش بخشیدند و گفتند نه آقا! برای خودتان، ما پاسخ‌های مسؤولانه را شنیدیم. بی‌سواد، بی‌شناسنامه، عصر فقری، بیکار، به جهنم، افراطی، عقب‌مانده، تازه به دوران رسیده، بزدل سیاسی و... همه پاسخ‌های مسؤولانه بود و همه اینها بزمی‌گرد به اخلاق اجتماعی. تحمل صدای مخالف را نداشتند بد است اما بدتر از آن، سر دادن شعار آزادی بیان و در پس آن توهین به منتقدان است. این یعنی بی‌اخلاقی اندر بی‌اخلاقی.

«دبیر سیاسی سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان



۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

ارتباط با مادر شبکه‌های اجتماعی

به‌بخشانه برگردیم
اجازه ندهیم رسانه‌ها ما را از هم دور کنند.